

ساعت لوکس و تفنگ پدری تمثیلی برای هوشیاری

خانوادای مزرعه بزرگی با اسب، گاو و گوسفند داشتند و مزارع و باغ‌هایشان محصول فراوان می‌داد. هر هفته رئیس خانواده همراه پسران بزرگ‌ترش به بازار می‌رفت تا محصولات مزرعه را بفروشد و پول بیاورد و پسران‌تر خانواده را برای نگهداری آن مزرعه و سایر اهالی خانه، می‌گذاشتند. این پسر در استفاده از سلاح مهارت زیادی داشت. روزی، هنگامی که در مزرعه گشت می‌زد، گروهی از مردان به او نزدیک شدند. جوان آنان را با سلاح خود از دور متوقف کرد. آنها با کلمات شیرین از او تعریف کردند و گفتند صلح‌جو هستید و فقط رفاه او را می‌خواهند اما در واقع باندی با تجربه در سرت و دزدی بودند. آنها ساعت مچی لوکس و زیبایی به او نشان دادند و کوشیدند با او هدیه او را وسوسه کنند. پسر جوان ساعت را تحسین کرد و تمایل خود را برای داشتن آن ابراز نمود. وقتی گروه، علاقه او مطمئن شدند، گفتند پیشنهاد می‌کنند آن ساعت را با تفنگش معاوضه کنند. پسر لحظه‌ای فکر کرد و تقریباً بی‌تفاوت اما سپس مرد شد و گفت یک روز دیگر منتظر من باشید. گروه پس از ناکامی در فریب او، آنجا را ترک کردند. عصر، پدری و دو برادران بزرگ‌ترش برگشتند، پسر داستان را تعریف و شکوه ساعت را برای پدرش توصیف کرد. پدر گفت بسیاری خب، سلاحت را به آنها بده و ساعت را بگیر؛ اما وقتی به خانه بپوش آوردند، دام‌ها را دزدیدند، مزرعه را غارت کردند و به اهالی خانه بی‌حرمتی کردند، به ساعت زیبایبت نگاه کن و بگو این بی‌حرمتی در ساعت فلان زمان رخ داد. پسر متوجه شد، سلاحش را محکم گرفت و دریافت که حماقت و عمل‌کردن براساس احساسات، به معنای از دست دادن قطعی و مرگ به دست دشمنان است. این تمثیلی است که بعضی‌ها آن را به نقل از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه گفته‌اند؛ با هدف پشیمانی نسبت به رفتار غرب. کشورهای غربی نیز از دموکراسی، حقوق بشر و آزادی مانند یک ساعت لوکس استفاده می‌کنند؛ ساعتی که خائنان می‌خواهند آن را به دست ببندند تا سلاح‌های میهن‌پرستی، اتحاد و امتناع از فروش کشورشان را نابود کنند. پس وطن خود را برای خرید ساعتی که زمان یورش و غارت‌شان را نشان می‌دهد، نفروشد. اهمیت این تمثیل در منطق نامدانی است که به نامزایی می‌باشد. منطق که ارزش‌های سیاسی را از طریق تمایز میان فریب و بقا با تعریفی نمی‌نماید. برای فهم این منطق و استخراج درس آن برای ایران، مناسب‌ترین چارچوب نظری مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی است، به‌ویژه آن‌گونه که بری بوزان، اوله ویبور و یاپ دو ویلده در کتاب امنیتی: چارچوبی نو برای تحلیل صورت‌بندی کرده‌اند. در این چارچوب، امنیت نه یک سازوکار عینی و نه صرفاً فقدان تهدید، بلکه یک کنش گفتاری است؛ هنگامی که یک بازیگر امنیت‌ساز دارای اقتدار، موضوعی را به‌عنوان تهدید وجودی برای یک ایزهٔ ارجاعی معرفی می‌کند و مخاطب این ادعا را می‌پذیرد، آن موضوع از حوزه ساعت‌سازی خارج و به حوزه زبان امنیتی و تناسب آن ادعا با زمینه اجتماعی و باورپذیری تهدید در نظر مخاطب تبدیل می‌شود. در سوی دیگر، برنامه هسته‌ای ایران نیز توسط بازیگران گوی آمریکا و اسرائیل به‌عنوان تهدید وجودی و معرفی و امنیت‌سازی شده است. نکته مهم از منظر مکتب کپنهاگ این است تا زمانی که مخاطب‌دای تهدید را نپذیرد، امنیت‌سازی کامل نشده است.

ایستادگی فنی رسانه ملی، شاهکاری از جنس پدافند غیرعامل

دکتر جبلی: از تلاشگران فنی و مجاهدانی که ستون‌های استوار تاب‌آوری ملی را مراقبت کرده‌اند تشکر می‌کنم.



عرصه‌های گوناگون علمی، نظامی و صنعتی کشور و سربلندی روزافزون ایران مقتدر را در پرتو رهنمودهای داهیانه فرماندهی معظم کل قوا مسألت دارم.

سنگین‌ترین تجاوزات نظامی و اموال حلاله ادراکی، شاکهارازی از جنس پدافند غیرعامل است که به دست این عزیزان خلق شد و تجاری بدیع، سرمایه‌ای غنی و گنجینه‌ای نفیس از دانش و رفتار بایسته در شرایط بحران را از این میدان پرمخاطره حاصل کرد. با گرمیادداشت «هفته پدافند غیرعامل»، به ابرام طیبیه شهدای عرصه رسانه ادای احترام می‌کنم و همت والای مجاهدان گنجم خانواده بزرگ رسانه‌ملی به‌ویژه تاشگران فنی و محتوایی که ستون‌های استوار تاب‌آوری ملی را مراقبت می‌کنند و همکاران ارجمند در مجموعه صیات و حفاظت سازمان که مسئولیتی خطیر در این عرصه به دوش دارند، صمیمانه ارج می‌نهم. همچنین، از درگاه حق تعالی پیروزی مجاهدان و زرمندگان دلیر و نستودر

مرزهای ادراکی، زیرساخت‌های حیاتی و زیست‌بوم رسانه‌ای را به‌طور همزمان هدف گرفته است. در مقابل و در ساحت رسانه‌ای کشور نیز تاریخ پرافتخارین مرزبوم شاهی زنده بر فداکاری اهالی صداوسیماست. همان‌گونه که مجاهدان رسانه ملی در سال‌های دفاع مقدس سنگربانان بی‌ادعای حقیقت بودند، در نبردهای سهمگین بعدی، از جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم که با صورت‌های پیچیده تحریم، تروریسم سایبری و تهاجم ترکیبی علیه ملت ایران رقم خورد، نیز این مکاران غیور، متخصص و زمان‌آگاه ما بودند که گذاشتند برای لحظه‌ای جریان امید، دانایی و ارتباط مردم با واقعیت میدان و جهان پیرامون گسسته شود. خاموش و حتی کمر فروغ نشدن چراغ روشنگری و ایستادگی فنی و محتوایی تحت

خاموش نشدن چراغ روشنگری و ایستادگی فنی در برابر تجاوزات، شاهکاری از جنس پدافند غیرعامل را خلق کرد. در همین زمینه و به مناسبت فرارسیدن هفته پدافند غیرعامل که از ۱۳ تا ۲۱ آبان ماه گرمای داشته می‌شود، دکتر پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما، با گرامیداشت هفته پدافند غیرعامل، به تبیین نقش مجاهدان رسانه‌ملی در صیانت از امنیت روانی و پایداری کشور پرداخته است.

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، در متن یادداشت آمده است: پایداری ملی ریشه در هوشمندی، طراحی پیش‌دستانه و مصون‌سازی شریان‌هایی دارد که حامل آرامش روانی، اعتماد عمومی و امنیت کشور در سراسر پیکره مقدس ایران عزیز اسلامی‌اند. هفته پدافند غیرعامل یادآورین حقیقت روشن است که امنیت پایدار بیش از هر چیز بر تاب‌آوری همه‌جانبه و آمادگی در برابر آسیب‌ها بنا می‌شود. تقابل‌های پیشین و تحریب دشوار بیش از یک‌سال اخیر نشان داد که میدان نبرد سال‌هاست از خطوط متعارف فراتر رفته و دشمن غدار

هالیوود در محکمه نمای پنهان

برنامه شبکه نمایش می‌کوشد از وارونه‌سازی واقعیت‌ها در سینمای غرب پرده بردارد

نقاط کلیدی، اهداف سازندگان و نقاط ورود و اوج و فرود اثر
برای مخاطب مشخص شود.

سلیمان زاده درباره ارتباط موضوعات برنامه با تحولات روز
می گوید: طرح این برنامه پیش از وقوع جنگ ۱۲ روزه نوشته و
آماده تولید شده بود. با وقوع جنگ ۱۲ روزه تلنگری ایجاد شد؛
زیرا بسیاری از حوادث جاری عیناً در فیلم ها و سریال ها به
تصویر درآمده بود. برای ملموس تر شدن بحث و نشان دادن
سوءاستفاده غرب از نمایش، ارجاعات برنامه را به رویدادهای
روز متصل کردیم تا مخاطب نیازی به جست وجو در حافظه
تاریخی نداشته باشد و دیالوگ ها را در بستر حوادث زنده
امروز لمس کند. تعدادی از قسمت ها را در فاصله جنگ
۱۲ روزه تا جنگ رمضان تولید کردیم. پس از جنگ رمضان و
اعمال محدودیت های اینترنتی، وقفه ای در کار ایجاد شد که
فرصتی در اختیارمان گذاشت تا به داده های تازه ای دست
پیدا کنیم و بر اساس آنها، محتوا را دقیق تر و عینی تر بسنجیم.

تخصص غرب در وارونه جلوه دادن حقیقت

وی با اشاره به تحریف تاریخ در آثار غربی ادامه می‌دهد: برخی فیلم‌ها، واقعیت‌ها را کاملاً وارونه نشان می‌دهند. برای مثال، این تصور القا می‌کند که گویی وقایع پس از انقلاب به مردم تحمیل شده است.

براین اساس در چنین آثاری اعزام نیرو به جبهه در دفاع مقدس هشتاد ساله را اجباری نشان می‌دهند، درحالی که می‌دانیم مردم آن زمان برای اعزام به جبهه از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. وی تصریح می‌کند: بخش عمده این آثار محصول مشترک فرانسه و آلمان هستند و تصویری از ناراضیاتی عمومی ارائه می‌دهند؛ درحالی که خود این کشورها به‌ویژه فرانسه از سال ۲۰۰۳ تا هم‌اکنون با بحران‌ها، اعتراضات گسترده، خشونت پلیس و کشتار معترضان مواجه هستند و آمار درستی نیز ارائه نمی‌دهند. هدف این آثار، القای شکاف میان مردم و نظام است؛ حال آن‌که نظام ریشه در اراده مردم دارد.

ما نمی‌خواهیم این موضوعات را گل درشت بیان کنیم، بلکه واقعیت و ادعاهای طرف مقابل را کنار هم می‌گذاریم تا قضاوت بر عهده خود بیننده باشد.

سلیمان‌زاده درباره‌ی مواجهه با نسل جدید و نوجوانان می‌گوید: نسل گذشته واقعیت‌ها را زیسته و لمس کرده است؛ بنابراین حتی با دیدن صدها اثر تحریف‌شده فریب نمی‌خورد اما دغدغه اصلی ما جوانان و نوجوانان هستند که تصویر عینی آن دوران ندارند و ممکن است دریافتی متأثر از سینمای غرب داشته باشند. این ششر معمولاً کمرهای تلویزیونی نمی‌نشیند و وقت خود را در فضای مجازی و شبکه‌هایی چون اینستاگرام و یوتیوب سپری می‌کند. هدف ما این بود که حقیقت را با زبانی بیان کنیم که این گروه سنی از مخاطب را به تأمل و توقف وادارد. همچنین با یادآوری این نکات تلاش کردیم آموزش درستی ارائه شود و اثرگذاری روایت‌های تحریف‌شده کاهش یابد.

وی درباره حضور در فضای مجازی می‌افزاید: ما بدون ملاحظه‌کاری‌های معمول سراغ صحنه‌ها و بازیگرانی رفتیم

که شاید حضورشان در تلویزیون مرسوم نبوده است. در زمینه بازنشر در رسانه های اجتماعی به دلیل وقفه های ناشی از جنگ ها و قطعی اینترنت کم کاری هایی رخ داد. باور داریم این محتوا باید در پلتفرم هایی مانند اینستاگرام و تلگرام بازنشر شود؛ زیرا نسل زد مخاطب مستقیم این فضاهاست. از این رو در فصل جدید قصد داریم علاوه بر تولید قسمت های تازه، گزیده هایی از فصل نخست را به صورت گسترده در بسترهای آنلاین منتشر کنیم.

پشت صحنه فیلمساز و کمپانی‌های سازنده را بشناسد.

اسلام هراسی و ایران هراسی هدف آنهاست

وی در پاسخ به این پرسش که آیا پیش از این برنامه‌ای باین رویکرد ساخته شده است، می‌گوید: برنامه‌هایی با سبک‌های دیگر داشته‌ایم؛ برای مثال برنامه «سینما سیاست» در شبکه چهار پخش می‌شد. در مقطعی نیز در شبکه یک

برنامه‌هایی با کارشناسی مجید شاه حسینی یا دکتر عباسی به مدت چند دقیقه پشت صحنه فیلم‌ها را تحلیل می‌کردند و سپس فیلم روی آنتن می‌رفت. حتی قرار بود شبکه یک چنین پروژه‌ای را ادامه دهد؛ اما متوقف شد. باین حال جای چندان قالی در قلاب شما خالی بود و به همین دلیل ما سرانجام رفتیم. وی می‌افزاید: در مرحله اول دو هدف عمده را دنبال کردیم که شامل بررسی اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی بود. تمرکز فعلی برنامه بر اتاری است که تصویری غیرواقعی و هراس‌انگیز از ایران ارائه می‌دهند یا اسلام را منطق بر خواست دنیای غرب بازنمایی می‌کنند. بررسی موضوع غلبه نظامی آمریکا را نیز در دستورکار داریم که امیدواریم در صورت

تألیف و نگارش محتوا در فصل‌های آینده ارائه شود. این دسته‌بندی موضوعی پیش از این کمتر در شبکه‌های دیگر سابقه داشته است. قالب ماگت و گومحور و متکی به حضور مجری و کارشناس در استودیو نیست. ما خود فیلم را در قالبی نزدیک به ۱۵ دقیقه نمایش می‌دهیم و با توضیحات همراه می‌سازیم تا فضای داستان،

توجه دارند. هدف ما در سال‌های اخیر این بوده که با تولید فیلم‌ها و میان‌برنامه‌ها، سطح سواد رسانه‌ای مخاطبان را ارتقا دهیم. ما تمایل نداشتیم صرفاً یک برنامه آموزشی ساده و خشک بسازیم؛ بنابراین تصمیم گرفتیم تلفیقی از سرگرمی و آموزش ایجاد کنیم. در این شیوه محتوای نمایشی پیش و پس از برنامه توضیحات لازم ارائه می‌شود تا از قالب‌های متداول و تکراری برنامه‌سازی فارغ‌الزم بگیریم.

روی با تأکید بر این که نمی‌خواستند برنامه‌ای صرفاً متشکل از چند کارشناس باشد که روبه‌روی هم بنشینند و فیلم نقد کنند، ادامه می‌دهد: تلاش کردیم اثری تولید کنیم که از منظر بررسی برای مردم جذاب باشد و بحث‌ها و توضیحاتی را بازگرمان را به نمایش بگذارد که مخاطب انتظار دیدن آنها در تلویزیون ندارد. این شیوه باعث می‌شود بیننده درنگ کند و پیام برنامه را بهتر دریابد. هدف اصلی ما نشان دادن لایه‌های پنهان فیلم‌سازی در هالیوود و سینمای غرب است تا روشن شود آنها به دنبال چه مقاصدی هستند. اکثر این آثار براساس سناریوهای از پیش طراحی‌شده ساخته می‌شوند و برنامه‌های اترده خود را در قالب فیلم و سریال‌ها پیاده می‌کنند.

آنها سیاست‌های کلی خود را در قالب آثار نمایشی به تصویر می‌کشند تا انتظارات مورد نظرشان را در جامعه جهانی شکل دهند.

سلیمان زاده در ادامه بیان می‌کند: هدف مادر شبکه نمایش افزایش سطح سواد رسانه‌ای است. بخش‌هایی از این آثار همراه با صدای نریتور پخش می‌شود تا مخاطب تفکر

سواد رسانه‌ای حتی هنگام تماشای فیلم‌های سینمایی و آثار سرگرم‌کننده و پرمخاطب نیز اهمیت حیاتی و انکارناپذیری دارد، زیرا بسیاری از کمپانی‌ها و تولیدات غربی تلاش می‌کنند تا قالب آثار جذاب و آتشین، مفاهیم و واقعیت‌ها را به سود اهداف

سیاسی خود وارونه جلوه دهند، برنامه «نمای پنهان» دقیقاً با همین هدف مهم شکل گرفته است تا با شکافتن لایه‌های پشت پرده هالیوود و به چالش کشیدن پروژه‌های سیستماتیک اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در سینمای غرب، به آگاهی‌بخشی عمومی بپردازد. مجتبی سلیمان‌زاده، مدیرگروه تولید و امور هنری شبکه‌های نمایش و تماشا، در گفت‌وگو با جام جم ضمن تشریح ابعاد و جزئیات این مجموعه تلویزیونی تأکید می‌کند که این برنامه می‌کوشد با رصد دقیق تحریف‌های تاریخی و مواجده هوشمندانه با جنگ روانی در شبکه‌های اجتماعی، نسج جدیدی از دیگر مخاطبان را از اهداف پنهان این محصولات آگاه کند، به‌گونه‌ای که تیم سازنده این اثر با ظرفت رسانه‌ای به نقد و تحلیل فیلم‌ها بادی نظیر «کن ترانزانداز آمریکا» و «زیر سایه» می‌پردازد تا بدون بازتاب و ترویج ناخواسته قدرت نظامی غرب، ماهیت واقعی این آثار نمایشی برای مخاطبان به‌طور کامل روشن شود. گفت‌وگو با مجتبی سلیمان‌زاده، مدیرگروه تولید و امور هنری شبکه‌های نمایش و تماشا در این باره است.

سليمان زاده در خصوص دغدغه‌های برنامه‌سازان در شبکه‌های نمايش و تماشا می‌گويد: اين شبکه‌ها در کنار فعاليت در حوزه سرگرمی، پخش آثار پرمخاطب نمايشی و بازپخش فيلم‌های آرشیوی، به مسئوليت رسانه‌ای خود نيز



ش

خطر باتلاق روایت‌های ساختگی

های نمایش و تماشا با اشاره به دشواری‌های ساخت
ی آمریکا بیان می‌کند: ورود به موضوع سطه نظامی
یک بندبازی دقیق است. اگر محتوا به درستی مدیریت
به تبلیغ و ترویج قدرت نظامی هالیوود تبدیل شود.
بی با بالاترین کیفیت فنی، تعلیق نفس‌گیر و پرداخت
بودیم با ظرافت فراوان عمل کنیم تا ضمن نقد و افشای
نشویم و به مخاطب نشان دهیم اگر چه ساختار جذاب